

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۲۹

جمعه ۲۴ شهریور ۱۳۹۶، ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۷

### اطلاعیه تشکیل واحد لایزیک حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۵

### صدها هزار کارگر فرانسه در مقابل طرح های ضد کارگری دولت سرمایه داران دست به راهپیمایی زدند

صفحه ۹

### گزارشی از اعتراض مخالفین جمهوری اسلامی در تورنتو

در اعتراض به لابی های رژیم تحت محمل  
بازگشایی سفارت!

صفحه ۱۰

### تجمع اعتراضی در دفاع از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی

صفحه ۱۰

### تجمع همبستگی با مردم بانه و کارگران ایران در سلیمانیه

صفحه ۱۰

## علیه سیستم آموزشی اسلامی بمیدان بیائیم!

### پیام حمید تقوایی بمناسبت آغاز سال تحصیلی

صفحه ۲

### بررسی انقلاب اکتبر

صد سال از انقلاب اکتبر می گذرد. انقلابی که تاثیرات شگرف و ماندگاری را چه در روسیه و چه در سطح بین المللی دنبال داشت. علیرغم اینکه صد سال از این رویداد تاریخی می گذرد، هنوز موضوع بحث، بررسی و مجادلات بسیار است. مورخان و مفسران تاریخ، اقتصاددانان، دانشگاهیان و فعالین سیاسی و اجتماعی و غیره در باره آن صحبت می کنند و می نویسند. هنوز مقالات متعددی در مورد آن نوشته می شود، سخنرانی ها و میزگردهایی در باره آن پرا می شود. اخیراً کتابهایی به این مناسبت انتشار یافته است. انترناسیونال به جوانب مختلف این رویداد سیاسی-اجتماعی و تاریخی نگاهی خواهد داشت و با طرح سئوالات و پاسخ به آنها، به پاره ای از مسائل اساسی این رویداد نظری خواهد اندخت و هر هفته یکی از آنها را نشر خواهد داد.

### جایگاه انقلاب اکتبر در تاریخ معاصر

حمید تقوایی

صفحه ۲

### در سالگرد فاجعه تروریستی ۱۱ سپتامبر حق با منصور حکمت بود!

علی جوادی

صفحه ۴

### کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۶

### سخنی به مناسبت آغاز سال تحصیلی

شهلا دانشفر

صفحه ۷

### گزارشی از کنفرانس "من کودک هستم" در مالمو در کشور سوئد!

حسن صالحی

صفحه ۷

### تجمع در حمایت از زندانیان سیاسی در مقابل زندانیان گوهر دشت کرج و دستگیری ۴ نفر

صفحه ۹

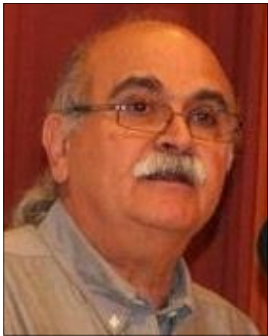
### مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را هر چه بیشتر گسترش دهیم

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۱

## جایگاه انقلاب اکتبر در تاریخ معاصر

حمید تقوایی



ناسیونالیستی در دنیای بورژوازی بود. انقلاب اکتبر عملاً نشان داد که مقدسات و تابوهائی مانند تمامیت ارضی و آب و خاک پرستی و غیره، هیچ ربطی به منافع کارگران و توده مردم ندارد. اینها تنها نمونه هائی از دستاوردهای انقلاب اکتبر است. دولت انقلابی بلشویکها، بدلیل مختلفی از جمله لشکرکشی دولتهای سرمایه داری به روسیه انقلابی و تحمیل یک جنگ داخلی

تاریخ معاصر دنیای ما است. ختم فوری و یکجانبه جنگ بوسیله دولت انقلابی روسیه - با شعار تمام تفنگها به سمت دولت خودی- صرفاً صلح طلبی توده مردم را نمایندگی نمیکرد بلکه مهمتر از آن نشان میداد که این جنگ بر سر منافع دولتها و طبقه سرمایه دار در گرفته است و کارگران و توده زحمتکش مردم هیچ منفعتی در ادامه آن ندارند. رفع ستم ملی و برسمیت شناسی جدائی را باید ادامه سیاست ختم فوری جنگ و تمام تفنگها بسوی دولت خودی دانست. نفس انقلاب اکتبر و قطع فوری جنگ اولین تحول خلاف جریان، هنجارشکنانه، ضد استعماری و ضد

تاریخ بیسابقه بود. هیچ دولت سرمایه داری تا به امروز - قبل از انقلاب و اکتبر و بعد از آن- به اراده خود و بی آنکه مجبور بشود، از سلطه خود بر کشورها و مناطق دیگر دست نکشیده است. بیاد داشته باشیم که انقلاب اکتبر در دل جنگ جهانی اول رخ داد که بر سر تجدید تقسیم دنیا میان دولتهای سرمایه داری شکل گرفته بود. برسمیت شناسی استقلال فنلاند و اعلام استقلال کشورهای تحت سلطه روسیه تزاری در دل چنین جنگی تنها نشاندهنده عمق آزادیخواهی دولت نوپای کارگری در روسیه در نقطه مقابل توحش دولتهای سرمایه داری کهنه کار در آن دوره و در کل

آن بدست آمده است. اما این دستاوردها صرفاً به جنبش کارگری محدود نیست. تا قبل از انقلاب اکتبر زنان حتی در کشورهای باصطلاح پیشرفته سرمایه داری در غرب حق رای نداشتند و کلا شهروند و حقوق شهروندی مقوله ای مردانه بود. انقلاب اکتبر این طلسم را شکست و زنان را در جامعه شوروی، و با الهام از آن در دیگر جوامع، وسیعاً وارد عرصه های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و ورزشی و فرهنگی کرد. تا همین امروز در روسیه و کشورهای اروپای شرقی، در مقایسه با بقیه کشورها زنان موقعیت اجتماعی بهتر و مناسب تری دارند. جنبه دیگر که کمتر از آن سخن گفته میشود برخورداری مردم منسوب به ملیتهای دیگر از حقوق مساوی با دیگر شهروندان در روسیه بود. در روسیه تزاری تبعیض و ستم ملی بیداد میکرد. دولت شورائی بر آمده از انقلاب با تضمین حقوق برابر برای همه شهروندان و با برسمیت شناسی حق جدائی توانست به یکی از مصائب پایه ای عصر ما که تا به امروز یک معضل لاینحل جوامع سرمایه داری است پاسخ بدهد. دولت شورایی اولین، و تا با امروز تنها، دولت در تاریخ است که حق جدائی را داوطلبانه برسمیت شناخته است. دولت برآمده از انقلاب بلافاصله بعد از قدرتگیری خواست مردم فنلاند برای جدائی را پذیرفت. کشور فنلاند تا به امروز تنها کشوری است در دنیا که استقلال آن از یک امپراتوری بدون جنگ و درگیری نظامی و صرفاً بر مبنای یک فراندوم، از جانب دولت مرکزی در یک کشور برسمیت شناخته شده است.

انترناسیونال: اهمیت بررسی انقلاب اکتبر در چیست؟ چرا هنوز پس از صد سال که از وقوع این رویداد می گذرد، همچنان مورد بحث و بررسی وسیع قرار می گیرد. پیامدهای انقلاب اکتبر در درون و بیرون روسیه در آن زمان چه بود و به چه صورت در رویدادهای امروز جهان قابل پیگیری است؟

حمید تقوایی: انقلاب اکتبر از جنبه های متعددی مهمترین تحول در تاریخ معاصر دنیا است. این اولین تلاش عظیم انسانهای عصر ما برای رهائی از سلطه سرمایه داری بود. تلاشی که با پرچم سوسیالیسم و با رهبری حزب بلشویک، حزب انقلابی طبقه کارگر انجام گرفت. در شرایطی که دولتها و بلوکهای سرمایه داری جهانی در یک جنگ وحشیانه دنیا را به خاک و خون کشیده بودند توده کارگران و دهقانان و سربازان - باصطلاح امروز نود و نه درصدی ها- در روسیه با شعار "قطع جنگ" و "تمام تفنگها به سمت دولت خودی" و "همه قدرت به شوراها" پیا خاستند و به انقلابی شکل دادند که دنیا را تکان داد و نتایج و پیامدهای آن تا امروز در سراسر جهان قابل مشاهده است.

انقلاب اکتبر گرچه در همان اولین سالها به انحراف و شکست کشیده شد و توانست سوسیالیسم را متحقق کند ولی از تاریخ حذف نشد. نتایج و پیامدهای این انقلاب بطور مستقیم و غیرمستقیم زندگی توده مردم در همه کشورها را تحت تاثیر قرار داده است. جنبش کارگری تحت تاثیر و با الهام از انقلاب اکتبر در همه کشورها گامهای بلندی جلو برداشت و توانست بسیاری از خواستههای خود را به سرمایه داران و دولتهایشان تحمیل کند. بدون انقلاب اکتبر روزگار هشت ساعته و حداقل دستمزد و بیمه های بیکاری و بسیاری از حقوقی که کارگران در کشورهای غربی و بسیاری از کشورهای دیگر بدست آورده اند متحقق نمیشد. اینها دستاوردهای جنبش کارگری جهانی است که در دوره بعد از انقلاب اکتبر و با الهام از

### علیه سیستم آموزشی اسلامی بمیدان بیائیم!

#### پیام حمید تقوایی بمناسبت آغاز سال تحصیلی

مذهبی را بجای دانش و آگاهی و آزاد اندیشی نشانده و ماتم و افسردگی و پژمردگی را جانشین شکوفائی و شادی و سرزندگی کرده است.

جامعه ایران هیچگاه این سیستم تحمیلی را نپذیرفته است. آموزش و پرورش اسلامی نیز مانند سایر قوانین و اخلاقیات و تابوهائی که رژیم اسلامی تلاش دارد در جامعه تثبیت کند مدام از جانب مردم بویژه جوانان و دانشجویان و معلمان بجالش کشیده شده است.

امسال نیز با بازگشائی مدارس و دانشگاهها دور تازه ای از مقابل مردم با سیستم آموزشی فوق ارتجاعی حکومت آغاز میشود. جنبش معلمان و جنبش دانشجویی نیروی تازه ای میگیرد و حمایت همه جانبه خانواده های دانش آموزان و کل جامعه را می طلبد.

مذهب زدانی از مهد کودکها و مدارس و دانشگاهها، درهم شکستن تبعیض جنسیتی و آپارتاید جنسی در محیطهای آموزشی، تحصیل رایگان در همه سطوح و آزادی فوری همه معلمان دریند از پایه ای ترین خواستهها و از جمله بدیهی ترین حقوق مردم است. بکوشیم با تکیه به نیروی جنبش معلمان و دانشجویان و خانواده های دانش آموزان به یک جنبش تعرضی و گسترده حول این خواستهها شکل بدهیم.

با امید اینکه سال تحصیلی تازه سال جارو کردن تحجر و جمود اسلامی از مدارس و از کل جامعه باشد.

حمید تقوایی

۲۲ شهریور ۹۶، ۱۳ سپتامبر ۱۷

سیستم آموزشی در ایران یک فاجعه و تراژدی تمام عیار است. با بازگشائی مدارس یک بار دیگر این تراژدی در مرکز توجه جامعه قرار میگیرد.

همچنان میلیونها کودک به کلاس و مدرسه دسترسی ندارند و اکثریت عظیم کودکان کار و خیابان، کودکان روستائی و کودکان مهاجر افغانستانی از تحصیل محروم هستند. بنا به آمار حکومتی هر ساله بیش از یک چهارم دانش آموزان بخاطر فقر ترک تحصیل میکنند، بیش از یک سوم مدارس مخروبه و یا رو به تخریب اند، و بیشتر کلاسها از پائین ترین استانداردهای ایمنی و بهداشتی برخوردار نیستند. آموزش و پرورش به امری تجارتي تبدیل شده و شهریه های گزاف و انواع اخاذی از خانواده های دانش آموزان یک سنت رایج در همه مدارس است. معلمین آزادیخواه بخاطر اعتراض به این وضعیت و در دفاع از حقوق پایه ای خود با پرونده سازی و احکام زندان و تبعید پاسخ میگیرند و حکومت تلاش میکند یک فضای امنیتی و مختنق را بر مدارس و دانشگاهها مسلط کند.

این واقعیات و ده ها مورد تکاندننده دیگر تنها بیانگر بخشی از تراژدی آموزشی در ایران است. اصل فاجعه مذهبی بودن سیستم آموزشی است. کودکان از همان مهد کودک تحت مغزشوئی مذهبی قرار میگیرند. اشاعه تابوها و مقدسات و خرافات اسلامی، مردسالاری و جداسازی جنسیتی در مدارس و دانشگاهها، و شکل دادن به فرهنگ عبودیت و شهادت و ماتم و عزا در اذهان کودکان اساس سیستم آموزشی جمهوری اسلامی است. سیستمی قرون وسطائی که جمود و تعصب و تحجر

## شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را می‌توانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

http://www.countmein-iran.com

### سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3  
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین می‌توانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

### کانادا:

Scotiabank Canada, ICRC

Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900  
Account #: 84392 00269 13

### هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN  
Shomare hesab: 15 13 50 248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

### آمریکا:

Bank of America  
277 G Street, Blaine, Wa 98230  
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush  
Account number : 99 - 41581083  
wire: ABA routing # 026009593  
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس

و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23, account holder: WPI  
Bank: NatWest branch: Wood Green  
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345  
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید می‌توانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱  
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷  
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶  
از ایران: عبدل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید

درس دیگری که از شکست انقلاب اکتبر میتوان گرفت نقش جنبشهای اجتماعی و طبقاتی است. انقلاب اکتبر در واقع از جنبش بورژوازی صنعت گرای روس، که او هم خواهان خلع ید از تزاریسیم بود، شکست خورد. منشویسم بازتاب حزبی این جنبش ناسیونالیستی- صنعتی گرا در لباس چپ بود که بعد از مرگ لنین در حزب بلشویک و در دولت دست بالا پیدا کرد و مسلط شد. بلشویکها شناخت و نقد عمیقی از جنبش ناسیونالیسم عظمت گرای روس نداشتند و نقدشان به منشویسم از انحرافات نظری و سیاسی آن فراتر نرفت. اما امروز تجربه انقلاب اکتبر به ما امکان میدهد که خود را به شناخت و نقد عمیق جنبش های دیگر در اپوزیسیون مجهز کنیم و در پراتیک روزمره خود ملحوظ کنیم. این شناخت و نقد و بررسی جنبشی مبارزه طبقاتی یک ویژگی کمونیسم کارگری است که محور نقد ما به تجربه شوروی و مبنای تحلیل و بررسی ما از نیروها و احزاب سیاسی اپوزیسیون - در لباس چپ و یا راست- در شرایط امروز ایران را تشکیل میدهد. به نظر من جامعه ایران میتواند بستر یک انقلاب اکتبر دیگر و تاووم آن تا پیروزی کامل و استقرار سوسیالیسم باشد.

Yahsat

کانال جدید

KANAL JADID

فرکانس ۱۲۵۹۴	پلاریزاسیون عمودی
سیمبل ریت ۲۷۰۰	اف ای سی ۲/۳

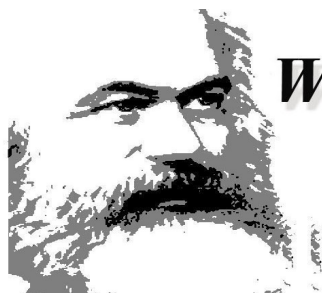
بحرانهائی که انقلاب اکتبر دیگری را می طلبد و در اعماق جامعه دست اندر کار شکل دادن به آنست. رویگردانی توده مردم از دولتها و احزاب سنتی بورژوازی در غرب، رواج گفتمان سوسیالیسم در بستر اصلی سیاست در جوامعی مثل آمریکا و انگلستان، و شکل گیری جنبشهایی نظیر جنبش اشغال با خواست خلع ید از یک درصدیها و علیه دولت مافوق مردم، و تجربه انقلاباتی در جوامع "جهان سوم" با مضمون ضد کاپیتالیستی، تنها نشانه هائی از ضرورت و مبرمیت سوسیالیسم در شرایط امروز است. جهان آستن انقلاب اکتبر دیگری است. تا آنجا که به تجربه جنبش چپ و کمونیستی در دنیا مربوط میشود انقلاب اکتبر یک حقیقت را بطور برجسته ای در مرکز توجه ما قرار میدهد: اهمیت حزب سیاسی در سازماندهی و رهبری انقلاب. انقلاب اکتبر نشان داد که پیشروی و پیروزی انقلاب ضد کاپیتالیستی تماما به هژمونی طبقه کارگر گره خورده است و این هژمونی تنها بوسیله یک حزب انقلابی کمونیستی قابل تحقق است. بدون ترهای آوریل لنین و بدون شعار قطع جنگ و تمام قدرت به دست شوراها انقلاب اکتبر پیروز نمی شد و به نظر من اصلا شکل نمیگرفت. اگر خط منشویکی بر حزب و جامعه مسلط میشد کادتها در قدرت میماندند و با تحمیل فقر و فلاکت به توده مردم به جنگ ادامه میدادند. لنین اساسا با شعار قطع فوری جنگ و تمام قدرت به شوراها توانست توده انقلابی کارگران و سربازان و دهقانان را بدور حزب بلشویک گرد آورد و قیام پیروزمند اکتبر را سازمان بدهد. بنابراین اولین درس انقلاب اکتبر نقش برجسته و کاملا تعیین کننده یک حزب انقلابی و رادیکال در تأمین هژمونی چپ بر جامعه و به پیروزی رساندن انقلاب است.

پنج ساله به دولت نوپای انقلابی، و عمل دیگری که از حوصله این نوشته خارج است، قادر به تحقق اهداف و آرمانهای سوسیالیستی خود نشد و جای خود را به یک نظام سرمایه داری دولتی داد که تنها در اسم نام سوسیالیسم را یدک میکشید. اما همان دستاوردهای اولیه انقلاب اکتبر که نمونه هائی از آنرا برشمرم در تمام دوره جنگ سرد الهام بخش انقلابیون و توده مردم تحت ستم در چهار گوشه دنیا بود. حتی انقلابات ضد استعماری و ضد امپریالیستی و ضد فئودالی مانند انقلاب چین و ویتنام و کوبا تحت نام کمونیسم و سوسیالیسم و با الهام از انقلاب اکتبر شکل گرفتند. تأثیرات انقلاب اکتبر در تمام دوره جنگ سرد قابل مشاهده است.

انقلاب اکتبر نماینده تجسم و تبلور آزادیخواهی و برابری طلبی در ابعادی بیسابقه بود تا به آن حد که حتی نظام برآمده از آن انقلاب، با وجود مسخ و استحاله شدنش به سرمایه داری دولتی، سنی در برابر سلطه تمام عیار توحش و ارتجاع کاپیتالیستی بر دنیا به شمار میرفت. برای پی بردن به دستاوردها و تأثیرات انقلاب اکتبر کافی است نگاهی به دنیای به قهقرا کشیده شده بعد از شوروی بیاندازیم.

فروپاشی شوروی راه را برای تعرض افسار گسیخته بورژوازی جهانی به هر چه نشانی از تمدن و مدنیت و آزادیخواهی و برابری طلبی داشت باز کرد. ریگانیسم و تاجریسم و بوشیسم، نشولیبالیسم و نئوکنسرواتیسم و افسارگسیختگی سرمایه داری بازار آزاد در تحمیل سیاستهای ریاضت اقتصادی و میداننداری نیروها و دولتهای اسلامی و بیکه تازی ارتجاعی ترین دولتهای قومی و نژادی از جمله "دستاوردهای" بورژوازی در دوره بعد از جنگ سرد است. بدون انقلاب اکتبر بورژوازی جهانی این وضعیت را در همان صد سال قبل به دنیا تحمیل میکرد. بی تردید بدون انقلاب اکتبر بشریت معاصر سرنوشتی بسیار دردناک تر و بسیار تیره تر میداشت.

امروز، نزدیک به سه دهه پس از فروپاشی شوروی، بورژوازی با تناقضات و بحرانها و چالشهای عظیمی روبروست. تناقضات و

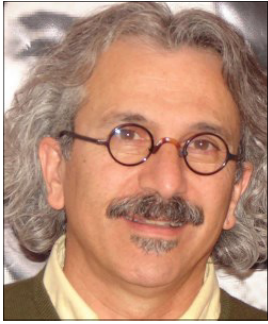


WE STILL NEED **MARX**  
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party of Iran  
www.wpiran.org



## در سالگرد فاجعه تروریستی ۱۱ سپتامبر حق با منصور حکمت بود!



### علی جوادی

شانزده سال از آن فاجعه خونین میگذرد. اما کماکان هر روزه تاثیرات مخرب اش را در زندگی روزمره خود حس میکنیم. در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تروریسم اسلامی دست به يك فاجعه بی سابقه در تاریخ بشریت معاصر زد. جنایتی که زندگی انسانهای معاصر را در ابعاد چشمگیری سیاه کرد و منشأ عقیبه‌گردهای بسیاری در تاریخ معاصر شد. در صبح آن روز چند هواپیمای مسافربری به مقصد نیویورک با تمامی انسانهای حاملش تبدیل به موشکها و بمبهای انفجاری شدند و دو برج بزرگ تجاری در نیویورک و ساختمان پنتاگون را هدف گرفتند. در يك لحظه چند صد تن از مسافرین عادی و بیگناه سوختند و تبدیل به خاکستر شدند و برجهای مرکز تجاری در مقابل چشمان ناباور جهان فروریخت و بیش از سه هزار نفر جان خود را از دست دادند. اما دامنه مرگ و کشتار به آنچه در ۱۱ سپتامبر صورت گرفت، محدود نماند.

۱۱ سپتامبر نقطه شروع يك سلسله جنایت در تاریخ دوران حاضر است. در این سالها بر بشریت معاصر چه گذشت؟ موقعیت جنگ تروریستها امروز را چگونه باید تعریف کرد؟ جهان پس از این سال اکنون کجا ایستاده است؟ راه حل ما برای پایان دادن به این وضعیت چیست؟

#### آغاز يك جنگ جهانی تروریستی

با فاجعه ۱۱ سپتامبر کلید يك جنگ خونین و جهانی جدید زده شد. نیروهایی عظیمی در مقابل هم و در مقابل بشر معاصر صف آرایی کردند. جنگی آغاز شد که سیمای جهان را تغییر داد. در يك سوی این جنگ جنبش ارتجاعی اسلامی سیاسی و نیروهای متعددی قرار گرفتند و در طرف دیگر بزرگترین ماشین نظامی و آدمکشی تاریخ یعنی میلیتاریسم آمریکا و اسرائیل و انگلستان و فرانسه و متحدینشان

قرار گرفتند. تروریسم اسلامی و تروریسم دولتی در مقابل هم صف آرایی کردند. این رویداد به اعتباری شروع يك جنگ جهانی بود. هیچ نقطه و منطقه‌ای از اثرات این جنگ خونین مصون و ایمن نماند. اگر چه ابعاد کشته شدگان با تعداد کشته شدگان جنگهای اول و دوم جهانی قابل مقایسه نیست، اما کل مشقات و مصائبی که بر زندگی هر روزه مردم تحمیل کرده است بهیچوجه از کل مصائب جنگهای اول و دوم جهانی کمتر نبوده است. این جنگ قربانیانش مردم عادی ای بودند که هیچ نقشی در قرار گرفتن در تیررس این جدال خونین نداشتند. همه جا صحنه جنگ بود و همه کس قربانیان این جنگ. در این مدت هر نوع عقبگردی را بر مردم تحمیل کردند. به بهانه جدال با تروریسم آزادیهای سیاسی و مدنی شهروندان را در مهد جهان به اصطلاح متمدن مورد تعرض قرار دادند. هر گونه بازداشتی بدون اعلام حکم مجاز شده شد. شکنجه رسماً به يك امر عادی بمنظور اعتراف گیری در برخی از جوامع غربی و از جمله آمریکا تبدیل شد. استراق سمع با يك حکم دو فوریتی دادگاههای گوش به فرمان پلیس و در پارلمانهای دموکراسی به تصویب رسید و مجاز قلمداد شد. در پیشبرد این جنگ به افغانستان و عراق حمله کردند. رسماً عراق را دهها سال به عقب برگردانند و بیش از يك میلیون کشته و زخمی بجا گذاشتند. در طرف دیگر تروریسم اسلامی دست به يك سلسله آدمکشی‌ها در جهان معاصر زد که هر گوشه و کناری را نا امن کرد. چه تعداد بمب و عملیات انتحاری هزاران عابر عادی را تکه تکه کرد؟ تاریخ این جنایت خونین را باید در فرصتی دیگر جمع آوری کرد.

در این دوره جنگ تروریستها به يك مولفه خونین و سیاه زندگی بشر معاصر تبدیل شد. تاثیرات این جدال عمیق و دیرپا هستند. این وضعیت بسیاری از کشمکشهای جاری را تحت الشعاع خود قرار داد

و تغییرات جلی و تعیین کننده ای در صف بندی نیروها ایجاد کرد. هر چند که سوخت انفجاری این جدال اکنون بعضاً تقلیل یافته است اما این جنگ کماکان در ابعاد گوناگون ادامه دارد و اثرات مخرب آن هر روزه زندگیهای بسیاری را تباہ میکند.

#### اهداف جنگ\*

يك رکن این جدال خونین تعاریف و توجیهاتی است که هر يك از دو قطب تروریستی جهان از اهداف خود ارائه دادند. گفته اند که جنگ ادامه سیاست است. اما کدام سیاست؟ این جنگ مانند تمام جنگها بر سر قدرت و سهم بری از قدرت سیاسی است.

اسلام سیاسی به مثابه يك نیروی دست راستی در پس تحولات سیاسی در خاورمیانه و در پس شکست جنبشهای ناسیونالیستی و پرو غربی در این گوشه از جهان بر قدرت سیاسی در ایران چنگ انداخت. غرب که پایگاه خود در ایران را در حال از دست رفتن می دید به جگ و جانوران اسلامی پر و بال داد. خصلت ضد کمونیستی و ضد آزادیخواهی این جریان کپک زده، آن ظرفیتی بود که غرب بدان نیاز داشت. جریانات اسلامی بر متن چنین شرایطی قدرت سیاسی در يك کشور مهم و تعیین کننده در خاورمیانه را از آن خود کردند. با تحولات ایران جنبش کثیف اسلام سیاسی به منبع عظیم قدرت دولتی دست یافت. به یکباره عظیم ترین منابع مالی و انسانی در کنترل و اختیار این جنبش ارتجاعی قرار گرفت. بدنبال این تحولات گسترش سهم خواهی از قدرت سیاسی در سطح خاورمیانه در محور تحولات سیاسی این جوامع قرار گرفت. ۱۱ سپتامبر گوشه ای از این روند سیاسی است، رویدادی در پروسه گسترش پر و بال اسلام سیاسی است. ۱۱ سپتامبر به این جدال خصلت جهانی داد و مساله جدال بر سر قدرت سیاسی را حتی به اروپا و آمریکا کشاند.

در طرف دیگر، تروریسم دولتی

برای مقابله با سهم خواهی تروریسم اسلامی نیازمند يك چهارچوب قابل پسند بودند. "جنگ علیه تروریسم" آن چهارچوبی بود که از توجیهات تحرکات میلیتاریستی دوران گذشته متفاوت بود. گویا تلاشی برای حفظ مدنیت بود. در این چهارچوب کشمکش علیه قطب مقابل با معیارهای شمال و جنوب، پیشرفته و عقب مانده و یا با معیارهای نژادی و ملی تعریف نمیشد. هر نیرویی میتوانست در قطب تروریسم دولتی قرار گیرد. این جدال به سرعت پس از جدال در اردوی شرق و غرب در دوران جنگ سرد به محور تخصصات جهانی تبدیل شد. غرب در دوران پس از جنگ سرد نیازمند يك چهارچوب ایدئولوژیک سیاسی برای تجدید تعریف سیمای خود و جهان بود. افول موقعیت سیاسی و زوال اقتصادی آن در فردای جنگ سرد باید در اشکال دیگری جبران میشد. فاجعه ۱۱ سپتامبر بزرگترین توجیهات را در اختیار این نیرو قرار داد. به یکباره فلسفه وجودی ماشین نظامی ای خود و متحدینش در ناتو معنا و تعریف دیگری یافت. مقابله تروریستی با تروریسم اسلامی در صدر دستور عمل این اردو قرار گرفت. اما اهداف اردوی غرب بسیار فراتر از مقابله با سهم خواهی جنبش اسلام سیاسی بود. بر مبنای این تقابل سیمای جهان را رقم زدند.

#### جنگ تروریستها - جنگ

##### مذاهب؟

جدالهای پایدار همواره دارای چهارچوبهای فکری و سیاسی و ایدئولوژیک خود هستند. چهارچوبهایی که تداوم کشمکش را موجه میکنند و آن را در اذهان جامعه توجیه کرده و حقانیت می بخشند. جنگ تروریستها نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. در این راستا علاوه بر توجیهات همیشگی ما شاهد تلاش برای قرار دادن دستگاہ مذهب در محور این تخصصات بوده ایم. دستگاہ کلیسای مسیحیت از يك طرف و دستگاہ مافیایی اسلام در طرف

دیگر. برای جنبش اسلام سیاسی این تلاش و چهارچوب سیاسی امری داده شده و از پیش مفروض بود. اسلام سیاسی جنبشی اسلامی مبتنی بر دستگاہ مذهب کثیف اسلام است. تلاش برای اسلامیزه کردن جوامع یکی از ارکان جنبش اسلام سیاسی در کنار هدف اصلی اش یعنی تصرف قدرت سیاسی است. اما در اردوی مقابل مذهب از چنین جایگاهی برخوردار نبود. غرب يك دوره کوتاه کردن دست کلیسا و مذهب از دولت را پشت سر دارد. جدایی کلیسا و مذهب از دولت واقعیتی است که برخی نیروهای دست راستی برای کم کردن این فاصله تلاش بسیاری بخرج میدهند. این تلاش بطور ویژه خود را در دو شکل نشان میدهد: تلاش جریانات دست راستی، بخصوص در آمریکا، که میکوشند به بعد مذهبی سیاست و رفتار اجتماعی شان دامنه بیشتری ببخشند و از طرف دیگر تلاشی است که از جانب خود دستگاہ کلیسای مسیحیت بطور آشکار و پنهان در این چهارچوب صورت میگیرد. این تلاش را ما در دوران پایانی جنگ سرد بطور ویژه شاهد بودیم و نقش جان پاپ در پروژه مقابله با "امپراطوری شر" و سر به زمین کوبیدن و دعا در کنار ویلیام کیسی رئیس سابق سیا گوشه ای کلاسیک از این تقلاهی ارتجاعی است. در دوران اخیر نیز بطور ویژه ای شاهد این تلاش بودیم. انتخاب پاپ بندیکت که دارای پرونده آنتی اسلامی روشنی است در عین حال گواهی بر این مدعاست. قرآن سوزی برخی از کشیشان بخش دیگری از این تلاش عمومی است. نمونه ها بسیاریند، عملیات تروریستی در نوروز دارای چنین اهداف و زمینه هایی بود. ترامپ در آمریکا نیز اکنون پرچمدار چنین سیاستی است. بی

جهت نیست که به‌همراه تشدید جنگ تروریستها ما شاهد تشدید جدال میان نیروها و همچنین دستگاه کثیف مذاهب رسمی هم هستیم. دلایل و زمینه‌های این تلاشها اما تماما مادی و زمینی اند. نیروهای پرچمدار هر اردو نیازمند مذهب برای توجیه این جدال و جنگ خونین هستند. دستگاه مافیای کلیسا نیز برای مطرح بودن و رونق دادن به صنعت خود نیازمند حضور در جدالهای اصلی جامعه است. امروز کلیسای مسیحیت بقاء خود را مدیون موثر بودن بمشابه ابزاری خفه کننده و توجیه کننده و زهر آلود در کنار ارکان اصلی طبقه حاکمه و همچنین در اردوی تروریسم دولتی است.

یک استنتاج سیاسی از این واقعیت این است که جدال بر علیه جنگ تروریستها نمیتواند و نباید محدود به جنبه نظامی و میلیتاریستی این تقابل گردد. اهداف سیاسی و ابزارهای متنوع سیاسی، ایدئولوژیک و مذهبی که بکار گرفته میشوند باید تماما نقد و افشاء شوند. هر درجه همسویی با دستگاه مذهب و یا چهارچوبهای مذهبی و سیاسی یک طرف در مقابل با طرف مقابل یک سیاست ارتجاعی و بازی در زمین یک اردوی تروریستی است.

موقعیت کنونی؟

این جنگ در طول شانزده سال گذشته دستخوش تغییر و تحولاتی چه در زمینه نظامی و چه در زمینه سیاسی و ایدئولوژیک شده است که جایگاه متفاوتی به آن در اذهان جامعه و همچنین در توازن قوای سیاسی در سطح جهان داده است. جنگ تروریستها که با حمله به طالبان آغاز شد و به سرعت به عراق کشیده شد، زمینه‌ها و عرصه‌های ویژه‌ای برای خودنمایی و قدرقدرتی میلیتاریسم آمریکا و متحدینش فراهم کرد. نوع جدیدی از "جنگ" شکل گرفت که کمتر به نیروی زمینی متکی بود. از آسمان، از ارتفاعی ۳۰ هزار پایی هر دوست و دشمنی و هر درجه مدنیت و ساختارهای یک جامعه را در هم کوبیدند. هزینه این میلیتاریسم را بر دوش بخشی از خود قربانیان این جدال خونین تحمیل کردند. هزینه نظامی جنگ عراق و افغانستان را

مردم در آمریکا و اروپا با از دست دادن درجه ای از رفاه اجتماعی جامعه پرداختند. هزینه این نمایش قدرت میلیتاریسم را با زدن سهم جامعه از رفاه تامین کردند.

این جنگها اکنون در فازهای آخر خود بسر میرود. طالبان سقوط کرد. صدام سقوط کرد. بن لادن کشته شد، اما اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی برنده جنگ در عراق بود. طالبان در افغانستان به بقای ارتجاعی خود ادامه داده و حتی بخشهایی از پاکستان را نیز به زیر سلطه خود در آورده است. داعش در این شرایط و در این زمین حاصلخیز رشد و نمو کرد. تروریسم اسلامی کماکان یک نیروی مطرح در صحنه سیاست جهانی است. این نیرو در کشورهای اروپایی و آمریکای پر و بال خود را گسترده است. در آنجا تغذیه میکند و بخشی از نیروی قربانیان خود را از نیروی انسانی و جوان این جوامع تامین میکند. بر مصائب و شکافهای افزایش یافته جوانان این جامعه، که بعضا در حاشیه نیز قرار گرفته اند، دست می‌گذارند و سرمایه گذاری میکنند. بطور خلاصه، اگرچه از شدت و حدت ابعاد نظامی اولیه جنگ تروریستها کاسته شده است. اما جهان کماکان شاهد تاثیرات مخرب این جدال است. بخشا با آن زندگی و بخشا با آن مقابله میکنند.

در بعد سیاسی اما اهداف واقعی این جدال کاملا روشن اند. گرد و غبارها به کناری رفته اند. اهداف سیاسی هر دو اردو در نزد توده‌های مردم افشاء شده و بعضا خنثی شده است. معلوم شد که "جنگ علیه ترور" قرار نیست زندگی را برای احی امن تر کند. معلوم شد که قرار نیست جوامع ای "آزاد" شوند و مردم از شر نیروهای اسلام‌مستی و یا تروریستی و میلیتاریستی خلاص شوند. معلوم شد که تروریسم در جهان دو قطب دارد. تروریسم دولتی و اسلامی. معلوم شد که راه پیشروی بشر امروزی نه در پیروزی یک قطب بر قطب مقابل بلکه در درهم شکستن کل این تقابل قرار دارد. و این پروسه مدتی است که آغاز شده است. وزنی که این جدال و تخاصم اکنون در کل تحولات جامعه بشری ایفا میکند به درجات زیادی با توجه به تحولات خیره

کننده دوران اخیر و خیزش توده‌های مردم در خاورمیانه و شمال آفریقا و در گوشه و کنار جهان کمتر شده است. دنیا دیگر فقط صحنه جدال دو نیروی تروریستی نیست. نیروی سومی در میدان است که چشمها و اذهان را به سوی خود خیره کرده است. بشریت متمدن، بشریتی که به دنبال راه حل سومی است و سوسیالیسم برایش دریچه‌ای بسوی این آینده است.

کدام پایان؟ کدام نیروها؟

چگونه میتوان نقطه پایانی بر این جدال خونین گذاشت؟ کدام نیروها میتوانند بازیگر صفحات پایان بخشیدن به این جدال باشند؟ به این جنگ چگونه میتوان پایان داد و زمینه‌های آن را برچید؟ در پاسخ به محورهای کلی باید اشاره کرد. برای پایان بخشیدن به جنگ تروریستها باید سیاست میلیتاریستی دول غربی را در هم شکست. باید اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی را در مراکز اصلی اش و مشخصا حکومت اسلامی در ایران بریز کشید. و بالاخره باید با فقر و فلاکت و محرومیتی و در حاشیه بودن جوان در جوامع بسیاری مقابله

روز شنبه ۹ سپتامبر نشست اعضای حزب در شهر لایپزیک آلمان برگزار شد. دستور جلسه سازماندهی و راه اندازی واحد حزب در این شهر بود. در ابتدای جلسه آسو عبیدی نژاد ضمن خوش آمدگویی به حاضران، دستور جلسه را به اطلاع اعضا رساند. پس از آن محمد شکوهی دبیر تشکیلات خارج کشور حزب دربارہ ضرورت سازماندهی واحد حزب و سر و سامان دادن کار و فعالیت های

نیروهای ناسیونالیسم پرو غرب، کل جریانات ملی - اسلامی، کل جریانات "ضد امپریالیستی" که خود را در کنار اسلام‌مستوها پیدا میکنند، نه تنها بخشی از راه حل نیستند بلکه خود هر کدام به قطبی از این تخاصم تعلق دارند. این کار بشریت متمدن است. کار طبقه کارگر و مردم آزاییخواه و برابری طلب است. کار جنبش کمونیسم کارگری است. کار نیروهایی است که کوچکترین منفعتی در هیچ کدام از دو سوی این تخاصم ندارند. این کار ماست!

\* وقایع و رویدادهای تاریخی حقانیت مباحث منصور حکمت از اهداف و سیاستهای حاکم بر جنگ تروریستها را تاکنون بارها تایید کرده است. سلسله مقالاتی که به دنبال فاجعه ۱۱ سپتامبر نگاشته شد در زمره مهمترین ارزیابی های سیاسی از قطب بندیهای سیاسی جهان پس از جنگ سرد است. مطالعه دقیق این اسناد را به خوانندگان نشریه عمیقا توصیه میکنم.

کرد. شکست میلیتاریسم اردوی تروریسم دولتی اساسا یک شکست سیاسی میتواند باشد. اعتراضات توده‌های بشریت متمدن در مقابل این میلیتاریسم اصلی ترین اهرم است. در طرف مقابل نیز پاسخ اساسا سیاسی است. مهمترین حلقه‌ها در این اردو مساله موجودیت رژیم اسلامی، مساله فلسطین و مساله فقر و محرومیت عظیم موجود در جوامع اسلام زده است. برای درهم شکستن ستون فقرات اردوی اسلام سیاسی باید رژیم اسلامی را به زیر کشید و سرنگون کرد. باید مساله فلسطین را بطور عادلانه حل کرد. تشکیل کشور مستقل فلسطینی با حقوق کامل "کشوری" یک رکن دیگر نابودی جنبش اسلام سیاسی است. باید خاورمیانه را از شر داعش و حزب الله پاک کرد. اما تا زمانیکه مردم این منطقه محروم و فقیرند، جریانات اسلامی میتوانند بر این فقر و محرومیت سرمایه گذاری کنند.

اما کدام نیرو میتوانند به این جدال خونین پایان دهند؟ کلیه

## اطلاعیه تشکیل واحد لایپزیک حزب کمونیست کارگری ایران

مستول مالی انتخاب شدند. تلاش برای راه اندازی پاتوق، کار در عرصه پناهندگی به عنوان عرصه کاری و فعالیت این دوره و همینطور جمع آوری منظم حق عضویتها در دستور کار واحد لایپزیک قرار گرفت. تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - آلمان ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۷



# کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر



اعتراض سراسری شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان به برگزاری ۱۳ مهر روز جهانی معلم فراخوان داده است. معلمان بازنشسته نیز در ادامه مبارزاتشان و برای پیگیری خواسته های خود بر تجمع در ساعت ده صبح این روز فراخوان داده اند. اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری تا برون رفت از خط فقر، بیمه های کارآمد و درمان رایگان، اداره و نظارت بر صندوق های بازنشستگی، از طریق انتخاب نمایندگان خود بازنشستگان برای رسیدگی به اختلاسها، از جمله خواسته های اعلام شده معلمان بازنشسته در فراخوان هایشان است. معلمان شاغل و بازنشسته به دستمزدهای زیر خط فقر اعتراض دارند، به امنیتی کردن مبارزاتشان اعتراض دارند و خواستار آزادی فوری همکاران زندانی خود هستند. خواستار پایان دادن به فضای امنیتی در آموزش و پرورش هستند. خواستار درمان رایگان و تحصیل رایگان و پایان دادن به کالایی شدن آموزش هستند. به دزدی ها و حقوقهای نجومی اعتراض دارند و با شعارهایشان از تجمع با شکوه ۳۱ مرداد و تجمعات دیگر این خواسته ها را اعلام کرده اند. با چنین خواسته های است که معلمان به استقبال ۱۳ مهر روز اعتراض سراسری میروند. خواسته های معلمان، خواسته های کل جامعه است. از اعتراضات آنان وسیعا حمایت کنیم.

این کشور در سازمان جهانی کار، رعایت نشود، جنبش بین المللی اتحادیه های کارگری از جمله ال او- نروژ هیچ انتخابی به جز کارزار عمومی علیه این سرکوب غیرقابل قبول و ظالمانه در ایران ندارد. در ایران نیز کارگران سندیکای واحد در حمایت از رضا شهبانی و با خواست آزادی او در روز ۲۲ شهریور با روشن کردن چراغ ماشین هایشان و حرکت با سرعت ۲۰ کیلومتر دست به حرکت اعتراضی نمادینی زدند. در این روز علیرغم تهدید کارگران به اخراج، آنها به اعتراض خود ادامه دادند. در این هفته همچنین محمود بهشتی از اعضای هیات مدیره کانون صنفی معلمان تهران با ۱۴ سال حبس در ۲۱ شهریور دستگیر شد. این دستگیری با واکنش اعتراضی بسیاری در میان معلمان، کارگران و فعالین اجتماعی روبرو شده است و زمزمه های اعتراض در میان معلمان شدت گرفته است. کارگران مخابرات روستایی با خواست قراردادهای دائم در ۱۹ شهریور بیش از پانصد کارگزار مخابرات روستایی از استانهای مختلف کشور به تهران آمدند و با خواست انعقاد قرارداد دائم کاری و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل تجمع اعتراضی برگزار کردند. سراسری بودن این اعتراض و خواست قراردادهای دائم از نقاط قابل توجه این حرکت اعتراضی است. ۱۳ مهر، روز جهانی معلم، روز

کارزار در سطح بین المللی نیز حمایت های قابل توجهی را در بر داشته است. در این هفته پیگی هسن فلسویک-معاون اول کنفدراسیون اتحادیه های کارگری نروژ - ال او به نمایندگی از بیش از ۹۰۰ هزار نفر از کارگران در این کنفدراسیون طی نامه ای سرگشاده به مقامات ایران ضمن اعلام اعتراض خود به ادامه آزار و اذیت فعالان کارگری توسط حکومت اسلامی، خواستار پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و مردم معترض و آزادی کارگران زندانی و فعالین اجتماعی شده است. در این نامه ال او - نروژ حمایت سیاسی و معنوی کامل خود را از کارگران ایران و خواسته های آنها برای آزادی تشکل و کسب حقوق شان بدون ترس از دستگیری و یا آزار و اذیت اعلام داشت و ضمن اشاره به مواردی از فشار و تهدید رهبران کارگری و فعالین اجتماعی چون وضعیت رضا شهبانی عضو هیات مدیره سندیکای واحد، علی نجاتی از اعضای هیات مدیره نیشکر هفت تپه و اسماعیل عبدی از اعضای شناخته شده هیئت مدیره کانون صنفی معلمان ایران (تهران)، اعلام میدارد: «آل او - نروژ معتقد است که ایران از به اصطلاح قوانین» امنیت ملی «برای توجیه سرکوب فزاینده فعالیت های مشروع اتحادیه ای و محروم کردن قربانیان سرکوب از حقوق قانونی مناسب، استفاده می کند. این امر پیامدهای مخربی برای زندانیان و خانواده های آنها دارد و همچنین به جامعه و اقتصاد ایران بسیار آسیب می رساند». در ادامه این نامه، ال او نروژ خواستار آزادی فوری تمامی فعالین کارگری بازداشت شده و لغو اتهامات وارده بر آنان شده و خواستار متوقف کردن سرکوب کارگران و اعضای اتحادیه های کارگری شده و اعلام میدارد که تا زمانی که حقوق شناخته شده بین المللی اتحادیه های کارگری و سایر حقوق بنیادی کارگران، و همچنین تمامی تعهدات ناشی از عضویت

رسید. نمونه های دیگری از این سرکوبگری ها حملات متوالی این جنایتکاران به دستفروشان در شهرهای مختلف از جمله در شهرهای جنوب چون اهواز، آبادان، بندرعباس است که بارها و بارها به تظاهرات و اعتراضات جوانان دستفروش در این شهرها علیه سرکوبگران شهرداری منجر گردیده و در مواردی به اعتراض مردم يك شهر تبدیل شده است. بدین ترتیب ماموران شهرداری بخش دیگری از نیروی سرکوب حکومت است که تحت عنوانی چون پاك نگاهداشتن چهره شهرها و سد معبر و غیره هر روزه دارند جنایت میکنند. ماموران شهرداری هر روزه در این شهر و آن شهر دستفروشان را که به خاطر بیکاری و نداشتن هیچگونه تائیمی ناگزیر به امرار معاش از این طریق و دست و پا کردن لقمه نانی برای خود و خانواده شان هستند، مورد تعرض و حمله قرار میدهند. در مقابل بارها در خبرها شنیده ایم که مردم به تقابل با آنها برخاسته و متواری شان کرده اند. سرکوبگری های شهرداری نسبت به دستفروشی هم اکنون به کارزاری در سطح سراسری شکل داده است. کارزاری که در دو سه ساله اخیر فعال بوده و با خواسته های چون ایجاد تسهیلات لازم برای دستفروشان برای ادامه به اشتغالشان و امنیت شغلی و قرار گرفتن آنها تحت پوشش تامین اجتماعی جریان داشته است. از جمله در تهران طومارهایی در حمایت از دستفروشان مترو و علیه سرکوبگری های شهرداری به راه افتاده بود. این کارزار ها را دوباره و با قدرت بیشتری به جلو بیاوریم با اعتراض وسیع خود به سرکوبگری های شهرداری در قبال دستفروشان خاتمه دهیم. در ادامه کارزار جهانی علیه امنیتی کردن مبارزات کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات و در دفاع از کارگران و معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی با قدرت به جلو میروند. این

روز ۲۲ شهریور دومین سال گرامیداشت یاد شاهرخ زمانی چهره شناخته شده کارگری برگزار شد. در این روز دستداران شاهرخ زمانی چهره محبوب و خوشنام کارگری بر سر مزار او گرد آمدند و یادش را عزیز و گرامی داشتند. شاهرخ در ۲۲ شهریور ۹۴ در زندان رجایی شهر جانباخت. جمهوری اسلامی مسول مرگ شاهرخ زمانی است. یاد شاهرخ فراموش نشدنی است. یاد او گرامی باد!

تجمع اعتراضی دستفروشان در اهواز، ادامه کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات، اعتراضات گسترده در محیط های کار و نمونه هایی چون مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و تجمع سراسری کارگران مخابرات روستایی، فراخوان معلمان شاغل و بازنشسته به تجمع سراسری در ۱۳ مهر از سرتیترهای مهم اخبار و مسائل کارگری در هفته گذشته است.

۲۲ شهریور تجمع اعتراضی دستفروشان در اهواز علیه سرکوبگران شهرداری دستفروشان کارگران بیکاری هستند که برای پیدا کردن لقمه نانی برای زنده ماندن به این شکل روزگار میگذرانند. ماموران دولت به جای تامین این کارگران و پاسخگویی به خواسته های آنها، به جای کار یا بیمه بیکاری، هر روزه به آنان یورش میبرند. بساطشان را بر زمین میریزند، اموالشان را ضبط میکنند و جنایت میکنند. دستفروشان اهواز به این وضعیت اعتراض دارند و خواستار ایجاد شرایط لازم برای کار و یا بیمه بیکاری هستند.

اخیرترین این جنایت در ۲۲ مرداد سال جاری در قم اتفاق افتاد که در جریان آن مظفر عباسی جان باخت که به اعتراضی گسترده در شهر قم تبدیل شد. مورد قبلمتر آن، قتل علی چراغی بود که در روز ۱۶ مرداد ۹۳ در حالیکه به همراه پسر ۱۴ ساله اش به خیابان تهران پارس در تهران رفته بود، بدست پنجه بوکس بدستان شهرداری به قتل

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:



## سخنی به مناسبت آغاز سال تحصیلی

شهلا دانشفر

یک هفته بیشتر به شروع سال تحصیلی باقی نمانده است. با شروع سال تحصیلی بیش از ۱۳ میلیون دانش آموز در مقاطع مختلف تحصیلی به مدرسه میروند. بیش از یک میلیون معلم و کارمند دولتی نیز کار خود را آغاز میکنند. نکته قابل توجه این است که شروع سال تحصیلی در ایران، همانند دیگر کشورها، یک امر روتین و معمول نیست بلکه، مثل هر چیز دیگر ابعاد وسیع اجتماعی - سیاسی دارد. فقر و فلاکت بیسابقه توده مردم مشکل فرستادن کودکان به مدرسه را در پی دارد؛ هزینه های کم شکن وسایل تحصیلی، اخاذی های مدارس برای ثبت نام کودکان - در شرایطی که بخش عظیمی از جامعه با دستمزدهای چند بار زیر خط فقر و حتی با عدم پرداخت بوقع همین چندرغاز حقوق روبرو هستند -، بیکاری میلیونی و محروم از هر گونه تامین، و در حالی که خبری از تحصیل رایگان به عنوان یک حق پایه ای در جامعه نیست، شروع سال تحصیلی به کابوسی برای بسیاری از خانواده ها تبدیل شده است.

از سوی دیگر معلمان قرار ومدار ادامه اعتراضاتشان برای سال جاری را میگذارند. اعتراض در دانشگاهها نیز در رابطه با سطح بالای شهریه ها و امکانات زیستی چون خوابگاهها و غیره مدنیت که در جریان است. از اینرو آغاز سال جدید تحصیلی به فضای اعتراض در جامعه شدت داده است.

هر سال تعدادی بیشتری از کودکان از چرخه تحصیل خارج می مانند. از جمله طبق آماری دولتی طی ۱۵ سال گذشته مجموع دانش آموزان دوره های گوناگون تحصیلی از ۱۹ میلیون (در سال ۱۳۷۸) به کمتر از ۱۳ میلیون در سال جاری رسیده است. گزارشات دیگر از هفت میلیون کودک خارج از چرخه تحصیل سخن میگوید. به این رقم، کودکان محروم از تحصیل افغانستانی مقیم ایران، کودکان محروم از تحصیل که در روابط صیغه ای به دنیا آمده و فاقد هویت

و شناسنامه هستند و بسیاری از کودکان در روستاها که از تحصیل محرومند را اضافه کنید، ابعاد هولناک این فاجعه اجتماعی مقابل ما قرار میگیرد.

در ایران خبری از تحصیل رایگان نیست و آموزش کاملاً کالایی است. ادعا میشود که بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی تحصیل تا پایان مقطع دبیرستان برای همه رایگان است. اما این فقط بر روی کاغذ است. مدارس دولتی هم تحت عناوین مختلفی چون همیاری مردم، مرتبا از خانواده ها اخاذی میکنند. از جمله برای ثبت نام کودکان به اسم همیاری شهریه میگیرند. ضمن اینکه در طول سال نیز بخش اعظم هزینه های مدرسه را از والدین طلب میکنند و گاه گزارش شده است که تحویل نتایج امتحانات تحصیلی کودکان را در گرو پرداخت این اخاذی ها قرار داده اند. بعلاوه، مدارس دولتی تعدادشان هر روز محدود تر میشود و در مدارس انتفاعی نیز هیچ سقفی برای گرفتن شهریه وجود ندارد. بعنوان مثال الآن مدارس ایران به

۷ نوع تقسیم شده است که شامل «مدارس دولتی»، «غیر دولتی»، «تیزهوشان»، «نمونه دولتی»، «هیأت امنایی»، «تربیت بدنی»، «معارف اسلامی»، «ایشارگران»، «دانش آموزان استثنایی»، «بزرگسالان»، «مدارس وابسته به نهادهای مختلف»، «مدارس سماء وابسته به دانشگاه آزاد اسلامی»، «مدارس شبانه روزی»، «از راه دور»، «ماندگار»، «مدارس هوشمند» و «شبانه» است. بدین ترتیب خانواده ها با انواع و اقسام محدودیتها و سختگیریها برای ثبت نام کودکان در مدرسه روبرویند. مدارس غیر دولتی نیز به مرکز چاپیدن بیشتر مردم تبدیل شده است. از جمله بسیاری از خانواده ها با کوچکترین نقل و انتقالی با مشکل پیدا کردن مدرسه برای کودکان روبرو می شوند. جدا از

اخاذی های مدارس، هزینه کتاب سرسام آور است. هزینه نوشت افزار سرسام آور است. تهیه پوشاک مناسب برای فصل سرما و گرما برای خانواده ها مشکل است و اینها همه مشکلات بخش عظیم جامعه در شروع سال تحصیلی است. این وضعیت میزان محرومیت کودکان از تحصیل را افزایش داده است.

در جمهوری اسلامی سرانه دانش آموزی حداکثر حدود بیست و هشت هزار تومان در سال مبلغی در حدود هشت دلار در سال است. این درحالیست سالانه اعتباری بالغ بر ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیارد تومان در بودجه استانی و ملی برای راهیان نور در سطح کشور هزینه می شود. در لایحه بودجه سال ۹۶ حکومت نیز مبلغی بیش از ۶۰۰۰ هزار میلیارد تومان برای «خدمات حوزه علمیه و نهادهای ویژه فرهنگی» را تصویب کردند که همه کارشان گسترش و تبلیغ جهل و خرافه مذهبی مورد نظر حکومت است. یک نمونه اش اعزام گله های آخوند به مدارس است. آنوقت در برابر هر خواسته و اعتراضی از جانب خانواده های دانش آموزان و معلمان، حرفشان اینست که آموزش و پرورش با کسر بودجه ۵ هزار میلیاردی روبروست و نمیتواند جوابگو باشد. همان پاسخی که نویخت در جواب به خواست معلمان شاغل و بازنشسته و خواست افزایش حقوقها به بالای خط فقر ۴ میلیونی داد.

جدا از همه این مشکلات وضع اسفناک مدارس است. طبق گزارشات دولتی در حال حاضر ۳۰ درصد مدارس کشور تخریبی و فرسوده هستند و نیاز به مرمت و بازسازی دارند و هم اکنون حدود ۴ میلیون از دانش آموزان در این مدارس درس میخوانند و جانشان در خطر است. بعلاوه اینکه بازم گزارشات دولتی از ۱۳۰ هزار کلاس درس در نقاط مختلف کشور که فاقد وسایل گرمایشی مناسب هستند، حکایت میکنند. که یک نمونه فاجعه

بارش، آتش سوزی مدرسه ای در شین آباد بود.

اما در برابر این وضعیت جامعه ساکت نیست. هم اکنون کارزارهای بسیاری در حمایت از حق تحصیل رایگان برای همه در جریان است و از جمله یکی از شعارهای تجمعات اعتراضی معلمان، بازنشستگان و کارگران و یکی از بندهای قطعنامه هایشان تحصیل رایگان بوده است. همچنین ممنوعیت کار کودکان و حق تحصیل رایگان موضوع مهم کمپین های حمایت از حقوق کودک و نهادها و تشکلهای دفاع از حقوق کودک بوده است. همین اواخر نیز محسن عمرانی معلم زندانی در بوشهر طی بیانیه ای بر دو موضوع حق تحصیل برای کودکان افغانستانی و تحصیل رایگان تاکید کرد.

یک بند مهم قطعنامه های اعتراضی معلمان لغو مدارس خصوصی و رایگان شدن تحصیل در تمام سطوح تحصیلی است. معلمان با شعار آموزش را کالایی نکنید، بر طبقاتی شدن آموزش و پرورش و محروم بودن بخش عظیم کودکان این جامعه از تحصیل با استناد دارد انسانی اعتراض خود را اعلام داشتند.

بدین ترتیب، کالایی بودن آموزش، مذهب به عنوان یک رکن مهم آموزش در جمهوری اسلامی و تبدیل آموزش و پرورش به یک نهاد کاملاً امنیتی و ایدئولوژیک، تفکیک جنسیتی در مدارس و تحمیل حجاب بر کودکان، همه و همه موضوعات اعتراض مردم در برابر حکومت اسلامی است.

تحصیل رایگان یک حق پایه ای شهروندی است. یک قدم فوری در این جهت ممنوعیت اخاذی از خانواده های دانش آموزان است. تحصیل رایگان در تمام سطوح آموزشی حق همه مردم است. البته تحصیل رایگان محدود به نپرداختن شهریه نیست. بلکه تحصیل رایگان بعلاوه رایگان بودن کتابهای درسی و تمام لوازم تحصیل، مدارس امن و کافی برای کودکان در تمام محلات شهرها، سرویس رایگان ایاب و ذهاب برای رفتن به مدرسه، یک وعده غذایی گرم در مدرسه برای اینکه کودک بتواند تمرکز لازم را برای جذب آموزش داشته باشد و...

را هم در بر میگیرد. تمامی این حقوق باید شامل کودکان افغانستانی و تمامی شهروندانی که از کشورهای دیگر به ایران آمده اند نیز بشود. مهمتر اینکه خانواده های بسیاری هستند که بدلیل فقر فراوان ناگزیرند کودکانشان را برای کار میفرستند. امروز آمار کودکان کار بیداد میکند. تحصیل رایگان یعنی ممنوعیت کار کودکان و تامین خانواده های آنها که ناگزیر نشوند کودکانشان را از تحصیل بیرون بیکشند و راهی کار کنند. دولت در قبال این خواستهها در قبال مردم مسئول است.

بعلاوه خواست ما مردم، جدایی کامل مذهب از آموزش و پرورش است. خواست ما مردم پایان دادن به کالایی کردن و طبقاتی شدن آموزش و شرایط یکسان آموزشی برای همه کودکان بر اساس استانداردهای علمی امروز بشری است. خواست ما مردم مدارس شاد، امن، مدرن و انسانی است. خواست ما مردم برچیده شدن بساط آپارتاید جنسی در مدارس و منع حجاب برای کودکان است.

یک هفته بیشتر به بازگشایی مدارس نمانده است، با تمام قوا از کارزارهای مبارزاتی برای حق تحصیل رایگان برای همه کودکان، دفاع کنیم. معلمان، خانواده های دانش آموزان، دانشجویان که خود با معضلات مشابهی بر سر آموزش روبرویند و فعالین دفاع از حقوق کودک و در واقع کل جامعه نیروی مهم اعتراض علیه محرومیت کودکان از تحصیل و وضعیت اسفبار تحصیل در ایران هستند. برای فرستادن کودکانمان به مدرسه تمام نیروی خود را بسیج کنیم و متحدانه در برابر اخاذی های مدارس بایستیم و با تجمع کردن در مقابل مدارس و مراکز آموزش و پرورش و به اشکال مختلف اعتراضی اعلام کنیم که جای کودکان ما مدرسه است. خواستار جمع شدن بساط مدارس خصوصی و طبقاتی شدن آموزش و پرورش و گرفتن حق تحصیل از کودکانمان شویم. اینها همه خواستههای اعتراضات همین امروز معلمان نیز هست، از مبارزات آنان وسیعاً حمایت کنیم.



آسیب ها گاهی تا بزرگسالی هم می تواند ادامه داشته باشد و جوان را مورد مخاطرات روحی و ناهنجاری های اجتماعی قرار دهد. طبق تحقیقاتی که صورت گرفته آسیبی که کودک به دلیل خشونت به مادرش می بیند به اندازه آسیبی است که زن در هنگام خشونت به آن دچار می شود. ما تلاش کردیم در شرایطی که مادرها درگیر مشکلات ناشی از خشونت خانگی هستند، کودکان آنها را مورد توجه قرار بدهیم، امکاناتی برای تفریح در اختیار آنها بگذاریم، اردوهای برای آنها سازمان بدهیم و به آنها و همسینطور مادرانشان اعتماد بنفس بدهیم. هدف ما کمک به این کودکان و بازگرداندن آنها به یک محیط طبیعی و شاد و مناسب یک زندگی نرمال است.

نتایج این پروژه سه ساله در کتابی به نام "من کودک هستم" گردآوری شده است. رادیو سوئد که

# "من کودک هستم" در مالمو در کشور سوئد!

حسن صالحی

دنیال کنفرانس با فریده آرمان مصاحبه داشت از این کتاب به عنوان کتاب راهنما در زمینه کمک رسانی به کودکان در معرض خشونت خانوادگی یاد کرد. این کتاب توسط ژورنالیست سوئدی Linda Stark و عکاس Åsa Sjöström در همکاری با "فدراسیون حق زنان" تهیه و چند روز پیش از برگزاری این کنفرانس با کیفیت عالی منتشر شد و در است، صمیمانه قدرانی می کنم.

دفاع جانانه ای از فعالیت های فریده آرمان و "فدراسیون حق زنان" کرد. او نکته جالبی گفت که ما به مشابه دولت سعی میکنیم امنیت این زنان یا کودکان را تامین کنیم اما این نهاد زندگی را به آنها برمیگرداند. فریده آرمان میگوید: "کودکانی که در خانواده مورد خشونت قرار میگیرند، یا شاهد خشونت به مادران خود هستند یکی از آسیب پذیرترین کسانی هستند که ناخواسته و بعلت مشکلات پدر و مادر دچار صدمات روحی عمیق و بخشا صدمات جسمی میشوند. این

روز ۸ سپتامبر شهر مالمو شاهد یک کنفرانس مهم و بسیار موفق بود. این کنفرانس را "فدراسیون حق زنان" برگزار کرد که مدیر مسئول آن فریده آرمان است. این کنفرانس در واقع به معرفی نتایج پروژه ای می پرداخت که سه سال متمادی از سوی فدراسیون حق زنان به پیش برده شد. این پروژه "من کودک هستم" نام دارد. تمرکز کاری این پروژه بر کودکانی بوده است که در معرض خشونت های خانوادگی قرار داشته اند و یا از نزدیک شاهد این نوع خشونتها بوده اند. این کودکان معمولاً به همراه مادرشان در خانه های امن نگهداری می شوند و از امکانات شادی و تفریح که یک کودک معمولی برخوردار است محروم هستند. پروژه "من کودک هستم" هدف خود را باز گرداندن شادی و شور به زندگی این کودکان قرار داده بود و در طول سه سال سازمان حق زن با سازمان دادن فعالیتهای متنوع به کودکان کمک کرده که آنها این دوره سخت در خانه های امن را راحت تر از سر بگذرانند. در سه سال گذشته سالانه صدها کودک به همراه مادرشان در فعالیتهای این نهاد شرکت کردند.



در کنفرانسی که روز ۸ سپتامبر در سالن اصلی "پارک مردم" (Moriska) مالمو برگزار شد شمار قابل توجهی از مقامات مسئول از استانداری اسکونه، کمون مالمو و دولت و منجمله اوسا رگنر- وزیر امور کودکان، سالمندان و برابری اجتماعی شرکت داشتند. فریده آرمان در سخنرانی خود در این کنفرانس رئوس اقداماتی را برشمرد که باید توسط دولت در جهت حمایت از این کودکان عملی شود. سخنرانی فریده مورد استقبال گرم حاضرین قرار گرفت و یکی از مقامات کمون مالمو که مسئولیت رسیدگی به خانه های امن در این شهر را بهعهده دارد در سخنرانی خود



## تجمع در حمایت از زندانیان سیاسی در مقابل زندان گوهر دشت کرج و دستگیری ۴ نفر

نگذاشتند تشکر و قدردانی نمودند. - ما همراه با خانواده های زندانیان سیاسی در گوهر دشت، یورش به زندانیان سیاسی و شکنجه و آزار سیستماتیک آنها در زندان را قاطعانه محکوم و از خواسته های برحق زندانیان سیاسی گوهر دشت حمایت و پشتیبانی می کنیم و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط آنان هستیم.

- ما خواستار دستگیری محمود بهشتی عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان در تهران را که در ۲۱ شهریور انجام گرفت را محکوم میکنیم و خواستار آزادی فوری او، اسماعیل عبیدی، محسن عمرانی، آتنا دانشی و تمامی زندانیان سیاسی هستیم.

- ما خواستار لغو تمامی احکام امنیتی زندان برای فعالین کارگری، معلمان و فعالین اجتماعی و پایان دادن به این سرکوبها هستیم.

- ما تصور حکم شلاق برای شاپور احسانی راد عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد را شدیداً محکوم و خواستار ممنوعیت حکم شلاق هستیم.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی  
۲۲ شهریور ۹۶  
Free Them.No  
shahla.daneshfar2  
@gmail.com

fb.com/  
wpiran/



صالح اسعدی

پیمان سالمی

واله زمانی

بهنام ابراهیم زاده

همه زندانیان سیاسی بر مطالبات خود تاکید دارند.

قضیه از این قرار است که روز یکشنبه ۸ مرداد ۱۳۹۶ (۳۰ اوت ۲۰۱۷) عوامل سرکوب رژیم اسلامی در زندان گوهر دشت کرج، در یک یورش وحشیانه تعدادی از زندانیان سیاسی را با ضرب و شتم و توهین به سالن ۱۰ زندان گوهر دشت انتقال دادند. پس از این اقدام زندانیان منتقل شده در تاریخ ۹ مرداد ۱۳۹۶، (۳۱ اوت) دست به اعتصاب غذا زدند. اکنون چیزی که همه زندانیان به ویژه زندانیان اعتصابی بر آن تاکید دارند اینست که هنوز به خواسته های آنها پاسخی داده نشده است و حتی معهود روزنامه های هم که وارد بند می شد اکنون ممنوع شده و امکان خرید از فروشگاه نیز وجود ندارد. در این دیدارها زندانیان اعتصابی از تمام افراد، شخصیت ها و فعالان کارگری، معلمان، زنان و دانشجویان و ... که در این مدت آنها را تنها

مردم تجاوز کرده، چرا دارین می پرین. سپس پس از پایان تجمع در مقابل زندان نیروهای انتظامی با تعقیب تجمع کنندگان در مسیر بازگشت، سه نفر دیگر از آنان، بهنام ابراهیم زاده از فعالین شناخته شده کارگری که به تازگی از زندگی آزاد شده است و پیمان سالمی و صالح اسعدی را نیز بازداشت کرده و به کلاتری ۱۹ باغستان برده و از آنجا همه آنها را به پلیس امنیت میدان نبوت انتقال دادند. که بنا بر خبر قرار است فردا جهت تعیین تکلیف به دادرسی برده شوند.

چهارشنبه ۲۲ شهریور به روال هر چهارشنبه روز ملاقات با زندانیان سیاسی بود و به بسیاری از زندانیان حتی زندانیان اعتصابی ملاقات حضوری داده شده بود. در این ملاقات مشخص شد که به جز ۴ نفر به اسمی سعید شیرزاد، رضا شهابی، سعید پورحیدر و محمد نظری، اعتصاب دیگر زندانیان سیاسی به اتمام رسیده است. اما

شدن تجمع کنندگان شدند و از آنجا که تجمع با موفقیت انجام شده بود و آخرین دسته های ملاقات کنندگان در حال بیرون آمدن بودند؛ محل را ترک کردند. این تجمع در این هنگام مورد یورش نیروهای سرکوبگر انتظامی قرار گرفت و مأموران چین پراکنده کردن جمعیت اقدام به ضبط گوشی موبایل برخی از تجمع کنندگان کردند که با واکنش اعتراضی جمعیت روبرو شد. مأموران که در پی دستگیری یکی از دختران در حال فیلم گرفتن بودند با اعتراض شدید تجمع کنندگان مواجه شدند که منجر به رهایی او شد. اما در این بین گوشی او را ربودند که با عکس العمل مجدد تجمع کنندگان مواجه و در این هنگام واله زمانی عضو هیات مدیره سندیکای نقاشان استان البرز دستگیر شد. در اعتراض به این دستگیری تجمع کنندگان شعار داده و فریاد میزدند: ولش کنید، مگه چیکار کرده، اختلاس کرده، به بچه

از ساعت ۹ صبح روز ۲۲ شهریور بنا بر فراخوان خانواده های زندانیان سیاسی در گوهر دشت که در اعتراض به وضع اسفناک زندانها در اعتصاب غذا بسر میبرند و رضا شهابی در مقابل زندان گوهر داشت برپا شد. در این حرکت اعتراضی بهنام ابراهیم زاده، واله زمانی، پیمان سالمی و صالح اسعدی دستگیر شدند.

در تجمع این روز تعدادی از فعالان اجتماعی و کارگری با یک شاخه گل جلوی درب زندان رجایی شهر برای حمایت از زندانیان سیاسی در اعتصاب غذای این زندان حاضر شدند و خانواده های زندانیان سیاسی را همراهی کردند.

حوالی ساعت دوازده ظهر در حالیکه تجمع کنندگان منتظر بازگشت خانواده های زندانیان اعتصابی از ملاقات بودند از سوی مأموران انتظامی جهت پراکنده شدن تحت فشار قرار گرفتند. آنان با دادن اظهارهایی خواستار پراکنده



## صدها هزار کارگر فرانسه در مقابل طرح های ضد کارگری دولت سرمایه داران دست به راهپیمایی زدند

روز سه شنبه ۱۲ سپتامبر راهپیمایی های بزرگی در سراسر فرانسه بدعوت سندیکاهای کارگری برپا شد تا علیه طرح های ضد کارگری دولت امانوئل مکرون اعتراض کنند. صدها هزار نفر در این تظاهرات ها شرکت کردند تنها در پاریس ۶۰ هزار نفر در راهپیمایی شرکت داشتند. برخی سازمان های دانشجویی نیز از این تظاهرات حمایت کرده بودند.

سندیکاهای در نظر دارند تظاهرات دیگری را یکروز پیش از جلسه شورای وزیران که قرار است در آن احکام تجدید نظر در قانون کار به تصویب برسد، برگزار کنند. سندیکاهای کارگری فرانسه آکسیون های اعتراضی بزرگ دیگری از روز ۲۱ سپتامبر فراخوان داده اند.



## تجمع اعتراضی در دفاع از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی

اعتراضی توجه عابرین و مردم را به خود جمع و تعدادی ضمن حمایت از این برنامه به دست اندرکاران این برنامه اعتراضی به بحث و گفتگو پرداختند.

در دست داشتن عکسها و پوستره‌های کارگران زندانی و زندانیان سیاسی و با سر دادن شعار زندانی سیاسی و کارگر زندانی آزاد باید گردد، خواستار آزادی بی قید و شرط فعالین کارگری دستگیر شده و زندانیان سیاسی شدند. این آکسیون

روز جمعه ۸ سپتامبر به فراخوان کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در دفاع از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی، تجمعی اعتراضی مقابل دفتر مرکزی روزنامه «فرانکفورت» رونداشو «در شهر فرانکفورت برگزار شد. معترضان با



## تجمع همبستگی با مردم بانه و کارگران ایران در سلیمانیه

خود را از مبارزات کارگران در ایران اعلام داشتند.

زنده باد همبستگی کارگری شبکه همبستگی کارگری خاورمیانه و شمال آفریقا شهلا دانشفر ۲۴ شهریور

زندانی و همه زندانیان سیاسی برگزار شد. خواست آنها پایان دادن به جنایت علیه کولبران و محاکمه و معرفی آمرین این جنایت، و آزادی فوری رضا شهابی و کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی بود. تجمع کنندگان در این حرکت حمایت قاطع

روز دوشنبه بیستم شهریور تجمعی به فراخوان سنتز مبارزه کارگران و زحمتکشان در سلیمانیه در اعتراض به قتل دو کولبر در بانه و در حمایت مبارزات مردم شهر بانه و دیگر شهرهای کردستان و نیز در حمایت از رضا شهابی و کارگران



تجمع همبستگی با مردم بانه و کارگران ایران در سلیمانیه

## گزارشی از اعتراض مخالفین جمهوری اسلامی در تورنتو

### در اعتراض به لابی‌های رژیم تحت محمل بازگشایی سفارت!

اسلامی برای کنترل اوضاع صف کشیده بودند. آنها که در ابتدا متوجه نبودند هدف تظاهرات چیست، با دوطرف به یک شکل برخورد داشتند، ولی وقتی که صحبت‌ها و شعارهای ما را دیدند، متوجه شدند که آنها از جمهوری اسلامی حمایت می‌کنند و سمپاتی و حمایت شان به مخالفین جلب شد.

سخنرانان رو به جمعیت و مردم اطراف و نبرهای پلیس به افشای رژیم و وابستگانشان پرداختند؛ از جمله اینکه رژیم اسلامی ده‌ها هزار از انسانهای آزادیخواه و برابری طلب و مخالف را اعدام کرده، و همین روزها سالگرد قتل عام هزاران زندانی سیاسی هست و در حال حاضر زندانیان سیاسی از جمله رضا شهابی و اسماعیل عبدی نماینده معلمان در زندان و در حال اعتصاب غذا برای احقاق حقوق کارگران و معلمان و دیگر اقشار مردم هستند. مخالفین جمهوری اسلامی در تورنتو، انسان‌های آزادیخواه و جریان‌های چپ و کمونیست یکبار دیگر نشان دادند که تورنتو محلی برای جولان دادن طرفداران رژیم اسلامی نیست و تحت هر نام و بهانه ای به آنها اجازه حضور و ابراز وجود نخواهند داد.

بابک یزدی

در شب نهم سپتامبر در مراسم یادمان و بزرگداشت قربانیان قتل عام ۶۷، مطلع شدیم که لابی‌ها و طرفداران حکومت اسلامی تحت لوای برقراری روابط ایران و کانادا و بازگشایی سفارت، قرار است در تقاطع اسپاداینا و بلور غربی در تورنتو، جمع شوند. در همان برنامه برای تظاهرات فردا فراخوان داده شد و خیلی از افراد و نیروهای سیاسی بلافاصله در فیسبوک و تلگرام و دیگر مدیای اجتماعی دست به کار شده و با فرصت کمی که بود یعنی در کمتر از ۱۲ ساعت خیلی‌ها خبردار شدند.

تعداد قابل توجهی با تعطیل کردن کار و یا به عقب انداختن برنامه‌های دیگر، خود را به محل تجمع رساندند. طنین شعارهای «مرگ بر جمهوری اسلامی»، «زندانی سیاسی آزاد باید گردد»، «کارگر زندانی آزاد باید گردد»، «تروریست‌ها گورتان را گم کنید»، «کانادا جای تروریست‌ها نیست»، «... مزدوران رژیم را گیج و سردرگم کرده بود. تعدادی که مزدور و جیره خوار رژیم نبودند از آنها فاصله گرفتند تا جاییکه چند نفری بیشتر باقی نماندند.

دهها پلیس در محلی بین ما مخالفین و طرفداران جمهوری



[fb.com/wpiran/](https://fb.com/wpiran/)



# مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را هر چه بیشتر گسترش دهیم

فعالیت های متنوعی برای آزادی زندانیان سیاسی، علیه فشار به زندانیان و علیه دستگیری فعالین در ایران و در سطح بین المللی شکل گرفته است. این مبارزه را باید هر چه وسیعتر گسترش داد.

جمهوری اسلامی همراه با گسترش تعرض به زندگی مردم، دستگیری کارگران و معلمان و فعالین سیاسی را نیز گسترش داده و زندانیان سیاسی را تحت فشارهای بیشتری قرار داده است. جمهوری اسلامی در هفته های اخیر از یکطرف بیش از ۵۰ نفر از زندانیان سیاسی را به بند ۱۰ زندان رجایی شهر با شرایطی بسیار غیر انسانی تر منتقل کرده و از طرفی تعداد قابل توجهی از کارگران و معلمان را دستگیر کرده و یا برای آنها پرونده سازی کرده است.

رضا شهابی را بعد از چند سال گذراندن در زندان مجدداً به زندان بازگرداندند. محمود بهشتی لنگرودی عضو کانون هیئت مدیره کانون صنفی معلمان را دستگیر

کردند. اسماعیل عبیدی و محسن عمرانی، آتنا دائمی، عبدالفتاح سلطانی، سعید شیرزاد و سعید ماسوری، مهدی فراحی شانديز، زانیار و لقمان مرادی، آرش صادقی و تعداد قابل توجهی دیگر از فعالین کارگری، معلمان و فعالین سیاسی و مدنی در زندانند و روز گذشته در جریان تجمع در دفاع از زندانیان سیاسی بهنام ابراهیم زاده، پیمان سالمی، واله زمانی و صالح اسعدی هم دستگیر شدند. در هفته های اخیر همچنین برای دهها نفر از کارگران هفت تپه پرونده سازی کرده اند و تعدادی از فعالین از جمله علی نجاتی و جعفر عظیم زاده را احضار کرده اند و برای شاپور احسانی راد حکم شلاق صادر کرده اند.

در مقابل این سرکوبگری ها کارگران شرکت واحد دست به تجمع زدند و با روشن کردن چراغ اتوبوس ها و حرکت با سرعت پایین خواهان آزادی رضا شهابی و سایر فعالین کارگری زندانی شدند. خانواده های زندانیان سیاسی در حمایت از

زندانیان سیاسی دست به تجمع در مقابل زندان زدند. ۲۷۰ نفر از معلمان و کارگران و فعالین اجتماعی و مدنی، با طوماری خواهان پایان دادن به اذیت و آزار زندانیان سیاسی و آزادی آنها شدند. کارزاری در اعتراض به احضار کارگران و احکامی که علیه آنها صادر شده و علیه امنیتی کردن اعتراضات در جریان است. جمعی از زندانیان سیاسی در بند ده زندان گوهردشت نیز بیش از چهل روز است دست به اعتصاب غذا زده تا به فشارها و رفتارهای ضد انسانی اعتراض کنند. در افغانستان تظاهراتی در حمایت از زندانیان سیاسی در ایران و در سلیمانیه تظاهراتی علیه قتل کولبران و در دفاع از زندانیان سیاسی سازمان داده شد. آکسیون های متعددی در شهرهای سوئد و آلمان و انگلیس در دفاع از زندانیان سیاسی برگزار شده و با نهادهای مدافع حقوق کارگران تماس های متعددی صورت گرفته است. در سطح بین المللی تعدادی از

سازمان های کارگری با نامه هایی خواهان پایان دادن به بدرفتاری با کارگران زندانی و زندانیان سیاسی و آزادی آنها شده اند. عفوی بین الملل به تشدید سرکوب توسط جمهوری اسلامی اشاره کرده و به رفتار رژیم با زندانیان و به سیستم قضایی ظالمانه در ایران اعتراض کرده است.

این فعالیت ها را باید در ایران و در سطح بین المللی هر چه بیشتر گسترش داد. کارگرانی که برای دستمزد خود و یا علیه بیکارسازی دست به اعتصاب و تجمع و راهپیمایی میزنند، معلمان و بازنشستگانی که برای احقاق حقوق خود مدام در حال اعتراض بسر میبرند، دانشجویان و زنان و جوانانی که علیه انواع محرومیت و بیحقوقی در حال مبارزه اند، برای تداوم مبارزه خود به پایان دادن به امنیتی کردن اعتراضات و پایان دادن به دستگیری و پرونده سازی نیاز حیاتی دارند.

کارگران، مردم آزاده: هر دستگیری و پرونده سازی حکومت علیه فعالین کارگری و مدنی بخشی از تلاش دستگاه سرکوب حکومت برای مقابله با شما است. این ابزار را باید با گسترش مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و مقابله با امنیتی کردن اعتراضات، از حکومت و دستگاه سرکوبش گرفت. امروز بیش از هر زمان مبارزات شما کارگران، معلمان و بازنشستگان، دانشجویان و زنان و جوانان با مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و علیه امنیتی کردن

اعتراضات گره خورده است. میتوانیم مانع پرونده سازی شویم، میتوانیم مانع دستگیری فعالین اعتصابات و اعتراضات شویم، میتوانیم در شرایطی که آتش مبارزه مردم علیه ظلم و فقر و محرومیت تندتر و گسترده تر شده، مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را نیز هر چه بیشتر گسترش دهیم و با جلب همبستگی بخش های مختلف مردم، به شرایط اسفبار زندان ها اعتراض کنیم، کارگران و معلمان زندانی و کلیه زندانیان سیاسی را از چنگال حکومت نجات دهیم، مانع دستگیری و احضار فعالین مان شویم و با راه گسترش مبارزات توده ای خود را هموارتر کنیم.

حزب کمونیست کارگری مردم را به شرکت هر چه فعالتر در مبارزاتی که برای آزادی زندانیان سیاسی جریان دارد فرامیخواند. حزب سازمان های کارگری، سازمانهای مدافع حقوق انسان و نهادهای بین المللی در سراسر جهان را به گسترش اعتراض به جمهوری اسلامی و خواست آزادی زندانیان سیاسی، پایان دادن به احضار و دستگیری فعالین و پایان دادن به امنیتی کردن اعتراضات فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۴ شهریور ۱۳۹۶، ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۷



## انترناسیونال

نشریه حزب  
کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان  
مسئول فنی: سهند مطلق

ایمیل: anternational@yahoo.com  
انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود



# برنامه ای در بزرگداشت و تجلیل از مادران خاوران

و همه ی مادران و پدران دادخواهی که فرزندانشان  
در دهه ی شصت در زندان های جمهوری اسلامی جان باختند

ایران تریبونال



درآمدی بر جنبش مادران خاوران از ابتدا تا امروز  
پیام تصویری همبستگی مادران شیلی و آرژانتین

میزگرد:  
مادر عصمت  
نازلی پرتوی  
شهنار کایدپور  
رویا رضایی جهرمی  
شهناز مدنی  
مرسده قانادی  
هدایت مثنی دفتری  
حمید صبی

ترانه خوانی:  
شیرین مهربد، مجید کاظمی

۲۳ سپتامبر ۲۰۱۷، ساعت ۱۷:۳۰  
لندن، مرکز اقدام حقوق بشر عفو بین الملل

Amnesty International Action Centre  
25 New Inn Yard London EC2A 3EA

برنامه زنده از آدرسهای زیر پخش می شود

سایت: تابلو اعلانات

<http://irantribunal.com/index.php>

<https://www.facebook.com/1035811979166457>